



Mr. Teacher: The Memoirs of Professor Hossein Norouzian

Samira Mosayebi *

1- Department of History & Iranology, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Abstract: The expansion of oral history publications in recent years has underscored the need for systematic evaluation of such works, particularly those centered on individuals, which often lie between documentary memoir and oral history. This study examines the extent to which Mr. Teacher: The Memoirs of Professor Hossein Norouzian conforms to oral history methodology and whether it advances from memory representation to the production of historical knowledge. The article critically analyzes this work, which, by focusing on the life and artistic and educational activities of Hossein Norouzian, reflects part of the cultural and artistic history of Qom. Using a descriptive-analytical approach and textual analysis, the study explores the book's position within oral history productions in Qom, along with its interview method, questionnaire design, editorial process, narrative structure, and degree of documentation. The findings show that, through open-ended interviews and snowball sampling, the work can be classified as oral history. However, the removal of the question-and-answer format, limited methodological explanation, and absence of references to interview archives reduce its evidentiary value. Overall, the work demonstrates strengths in subject selection, narrative coherence, and representation of lived experience. However, achieving scholarly standards in oral history requires greater methodological transparency and a stronger analytical approach. This study aims to clarify the work's position within contemporary oral history in Qom.

Key Words: Book Review, Qom Oral History, Character-Centered Oral History.

نقد کتاب آقای معلم: خاطرات مرحوم استاد حسین نوروزیان

سمیرا مسیبی *

۱- دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، هسته مطالعات تاریخ شفاهی دانشگاه اصفهان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۰۶

چکیده

گسترش آثار تاریخ شفاهی در سال‌های اخیر ضرورت نقد و ارزیابی روشمند این تولیدات را برجسته کرده است، به ویژه در رابطه با آثار شخصیت‌محور که معمولاً در مرز میان خاطره‌نگاری مستند و تاریخ شفاهی قرار می‌گیرند. در این چارچوب، مسأله اصلی این پژوهش آن است که کتاب آقای معلم: خاطرات استاد حسین نوروزیان تا چه اندازه با معیارهای روش‌شناختی تاریخ شفاهی انطباق دارد و آیا توانسته است از سطح بازنمایی خاطره به سطح تولید دانش تاریخی ارتقا یابد. مقاله حاضر با هدف پاسخ به این پرسش‌ها، این اثر را نقد و تحلیل می‌کند؛ اثری که با تمرکز بر زندگی و فعالیت‌های هنری و آموزشی حسین نوروزیان، بخشی از تاریخ فرهنگی و هنری شهر قم را بازنمایی می‌کند. پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر پایه تحلیل متن کتاب، جایگاه اثر در میان تولیدات تاریخ شفاهی قم، شیوه مصاحبه، بسته پرسشی، فرایند تدوین، ساختار روایت و میزان مستندسازی داده‌های شفاهی را بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد کتاب، با اتکا به مصاحبه باز و روش گلوله‌برفی، در زمره آثار تاریخ شفاهی قابل طبقه‌بندی است. در عین حال، حذف ساختار پرسش و پاسخ، محدود بودن توضیحات روش‌شناختی و فقدان ارجاع به آرشیو مصاحبه‌ها از ظرفیت استنادی آن کاسته است. در مجموع، این اثر از نظر انتخاب سوژه، انسجام روایی و بازنمایی تجربه زیسته، واجد نقاط قوت است؛ اما برای دستیابی به استانداردهای تاریخ شفاهی علمی، نیازمند شفافیت روش‌شناختی و تقویت رویکرد تحلیلی است. مقاله حاضر با تبیین این ابعاد، می‌کوشد جایگاه اثر را در تاریخ شفاهی معاصر قم مشخص کند.

واژه‌های کلیدی: نقد کتاب، تاریخ شفاهی قم، تاریخ شفاهی شخصیت‌محور.

درآمد

تاریخ شفاهی به عنوان یکی از رویکردهای مهم در تاریخ‌نگاری معاصر، نقشی مهم در ثبت تجربه‌های زیسته و داده‌هایی ایفا می‌کند که در اسناد رسمی بازتاب نمی‌یابند. این رویکرد، به ویژه در مطالعات تاریخ محلی، نهادهای اجتماعی و زندگی کنشگران فرهنگی، امکان بازنمایی لایه‌هایی از گذشته را فراهم می‌آورد که در دیگر منابع کمتر قابل دسترسی هستند. شهر قم نیز به عنوان یکی از کانون‌های فرهنگی، دینی و آموزشی ایران معاصر، از نظر تاریخ شفاهی واجد ظرفیت‌های پژوهشی قابل ملاحظه‌ای است که بهره‌برداری از آنها مستلزم تولید آثاری روشمند و قابل ارزیابی است.

تاریخ شفاهی بر فرایند گردآوری و تبدیل گفت‌وگوهای انجام‌شده با افراد مطلع استوار است؛ گفت‌وگوهایی که از خلال آنها، داده‌های تاریخی مبتنی بر حافظه و روایت تولید می‌شوند. این داده‌ها که از طریق ضبط، تدوین و تبدیل گفتار به نوشتار شکل می‌گیرند، بخشی از مستندات تاریخ شفاهی را تشکیل می‌دهند. (نورائی، ۱۳۸۵، ص. ۱۴۸) با این حال، اتکای این رویکرد بر حافظه و روایت پرسش‌هایی را درباره اعتبار داده‌ها، نسبت سند و شواهد و نحوه بازنمایی گذشته مطرح می‌کند؛ از این رو، روایت‌های شفاهی نیازمند چارچوب‌های روش‌شناختی مشخص برای تحلیل و ارزیابی هستند. (بایلین، ۱۳۸۹، صص. ۸۹-۹۲) در این چارچوب، نقد آثار تاریخ شفاهی به مثابه بخشی از فرایند تولید دانش تاریخی، اهمیتی اساسی می‌یابد. نقد علمی این آثار، با تمرکز بر شیوه مصاحبه، ساختار روایت، میزان مستندسازی و نسبت اثر با اصول تاریخ‌نگاری شفاهی، می‌تواند به تمایز میان خاطره‌نگاری و تاریخ شفاهی روشمند یاری رساند و زمینه ارزیابی و مقایسه آثار را فراهم کند. (نورائی، ۱۳۹۷) این ضرورت به ویژه در سال‌های اخیر، هم‌زمان با گسترش کمی آثار منتشرشده در حوزه تاریخ شفاهی، بیش از پیش برجسته شده است.

در این زمینه، کتاب *آقای معلم: خاطرات استاد حسین*

نوروزیان به کوشش حجت‌الله علی‌محمدی، به عنوان نمونه‌ای از تاریخ شفاهی شخصیت‌محور، زندگی و فعالیت‌های فرهنگی و هنری یکی از کنشگران شهر قم را روایت می‌کند. این اثر که حاصل چندین جلسه مصاحبه با راوی اصلی و گفت‌وگو با برخی از افراد مرتبط با اوست، بخشی از تاریخ فرهنگی و هنری قم را از خلال تجربه زیسته یک فرد بازنمایی می‌کند. تمرکز کتاب بر یک راوی واحد، آن را در زمره آثار تاریخ شفاهی زندگی‌محور قرار می‌دهد که در آن، تجربه فردی در پیوند با زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی روایت می‌شود. با توجه به گسترش آثار مشابه و اهمیت تمایز میان روایت‌های خاطره‌محور و تاریخ شفاهی روشمند، بررسی و ارزیابی این اثر از نظر معیارهای تاریخ شفاهی ضروری به نظر می‌رسد. مقاله حاضر با هدف نقد کتاب *آقای معلم: خاطرات استاد حسین نوروزیان* تدوین شده است و می‌کوشد با تمرکز بر ابعاد شکلی، محتوایی و به ویژه روش‌شناختی، میزان انطباق آن با اصول تاریخ شفاهی و جایگاه آن را در میان تولیدات این حوزه تبیین کند.

جدول ۱- مشخصات کتاب آقای معلم

مؤلفه	توضیح
راوی	حسین نوروزیان
مصاحبه‌کننده و نویسنده	حجت‌الله علی محمدی
نوع اثر	تاریخ شفاهی شخصیت‌محور
بازه زمانی روایت	۱۳۳۱-۱۴۰۳
ناشر	مرکز اسناد انقلاب اسلامی
سال نشر	۱۴۰۴

تاریخ شفاهی هنر و تاریخ شفاهی شهر قم

تاریخ شفاهی هنر در ایران، هرچند دیرتر از شاخه‌های سیاسی و انقلابی مورد توجه قرار گرفته، در دو دهه اخیر شاهد شکل‌گیری پروژه‌ها و آثاری قابل ملاحظه بوده است. پروژه‌هایی مانند «آرته» (تاریخ شفاهی فرهنگ، هنر و ادب معاصر ایران) که از سال ۱۳۹۳ آغاز شده و مصاحبه‌هایی گسترده با هنرمندان، نویسندگان و چهره‌های

فرهنگی انجام داده است، تلاشی سیستماتیک برای ثبت روایت‌های شفاهی نسل‌های پیشکسوت هنر معاصر به شمار می‌روند. این پروژه، با تمرکز بر هنرمندان بالای ۵۰ سال، بر ثبت تجربه‌های زیسته، زمینه‌های اجتماعی تولید اثر و چالش‌های فرهنگی تأکید دارد.

در کنار این گونه پروژه‌های مصاحبه‌محور، برخی از پژوهش‌ها نیز با اتکا به اسناد تاریخی، تاریخ هنر را بازسازی کرده‌اند؛ برای نمونه، اثر سمیه بختیاری با عنوان «صنایع دستی استان اصفهان به روایت اسناد» با بهره‌گیری از اسناد تاریخی، تلاشی برای بازخوانی سیر تحول صنایع دستی در پیوند با ساختارهای اجتماعی و نهادی ارائه می‌دهد. (بختیاری، ۱۴۰۳) همچنین آثاری همچون «نقاشی قهوه‌خانه‌ای به روایت منصور عباسی» (عشقی و حمیدی، ۱۴۰۴) که در قالب روایت زندگی یک هنرمند شکل گرفته‌اند، نشان‌دهنده گرایش به ثبت تجربه‌های زیسته در حوزه هنر عامه و انتقال سنت‌های هنری از خلال روایت‌های فردی هستند.

در حوزه آموزش و پرورش ایران، تلاش‌هایی پراکنده برای ثبت تاریخ شفاهی معلمان پیشکسوت (مانند پروژه‌های مرتبط با آموزش و پرورش یا مصاحبه با معلمان ماندگار در استان‌ها) شکل گرفته‌اند، اما این روایت‌ها معمولاً بر جنبه‌های صنفی، سیاسی یا خاطرات کلی آموزشی متمرکز بوده‌اند تا تجربیات تخصصی انتقال دانش هنری، موسیقی مذهبی/سنتی و روش‌های تربیتی در بستر فرهنگی-مذهبی شهرهایی مانند قم. تاریخ شفاهی شخصیت‌محور معلمان هنر که تجربه زیسته فردی را با چالش‌های نهادهای آموزشی، مناسبات فرهنگی پس از انقلاب و نقش محلی در هویت‌بخشی هنری پیوند می‌زند، هنوز جای خالی قابل ملاحظه‌ای در ادبیات این حوزه دارد.

در سطح محلی، تاریخ شفاهی شهر قم نیز به طور عمده حول محور تحولات سیاسی-انقلابی و نهادهای حوزوی شکل گرفته است. از جمله آثار اولیه می‌توان به کتاب *تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی (تاریخ حوزه علمیه*

قم) (کرباسچی، ۱۳۸۰) اشاره کرد که یکی از نخستین تلاش‌ها برای ثبت روایت‌های شفاهی مرتبط با تحولات نهادی و انقلابی این شهر بود. در سال‌های اخیر نیز پروژه‌هایی مانند «تاریخ شفاهی محلات قم» یا مجموعه‌هایی پراکنده از خاطرات شخصیت‌های حوزوی و اجتماعی منتشر شده‌اند. با وجود این، تاریخ شفاهی فرهنگی-هنری قم همچنان در مراحل اولیه قرار دارد و آثار متمرکز بر حوزه آموزش هنر، موسیقی مذهبی/سنتی، یا فعالیت‌های هنری پس از انقلاب بسیار محدود هستند.

کتاب *آقای معلم: خاطرات استاد حسین نوروزیان* در چنین بستری قابل ارزیابی است. این اثر، با تمرکز بر زندگی و تجربه زیسته یک معلم هنر و نوازنده که بخش عمده فعالیت حرفه‌ای‌اش در قم سپری شده است، تلاشی برای بازنمایی تاریخ فرهنگی و هنری این شهر از نظر روایت زندگی‌محور^۱ به شمار می‌رود. برخلاف بسیاری از آثار تاریخ شفاهی قم که بر تحولات سیاسی یا نهادهای دینی متمرکز هستند، این کتاب بر ابعاد آموزشی، هنری و روزمره تجربه یک کنشگر فرهنگی تأکید دارد و به این ترتیب، به غنی‌سازی تاریخ اجتماعی-فرهنگی قم کمک می‌کند.

از دیدگاه نظری، این کتاب را می‌توان در ادامه رویکردهای زندگی‌محور در تاریخ شفاهی قرار داد که تجربه فردی را به عنوان پنجره‌ای برای فهم تحولات اجتماعی و فرهنگی بزرگ‌تر به کار می‌گیرند. در عین حال، تمرکز بر یک راوی اصلی همراه با روایت‌های پیرامونی (خانواده، شاگردان و دوستان) امکان حرکت از سطح خاطره فردی به سوی نوعی چندصدایی را فراهم می‌کند. این ویژگی، کتاب را از بسیاری از خاطره‌نگاری‌های صرف متمایز می‌کند و آن را در زمره تاریخ شفاهی شخصیت‌محور قرار می‌دهد. با وجود این، همچنان شکافی مهم در ادبیات تاریخ شفاهی ایران وجود دارد؛ کمبود آثار روشمند درباره آموزش هنر، انتقال دانش هنری در محیط‌های سنتی-مذهبی و نقش هنرمندان محلی در شکل‌دهی هویت فرهنگی شهرهای کوچک پس از انقلاب

اسلامی.

معرفی نویسنده

حجت‌الله علی‌محمدی (متولد ۱۳۵۳ ش. قزوین) پژوهشگر و مؤلفی است که فعالیت علمی او در پیوند میان مطالعات حوزوی، دانشگاهی و نهادهای اسنادی شکل گرفته است. علی‌محمدی سابقه همکاری طولانی با نهادهایی همچون مرکز اسناد انقلاب اسلامی (به عنوان پژوهشگر) و مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما را در کارنامه دارد. آثار منتشرشده او عمدتاً در حوزه تاریخ معاصر ایران، فقه سیاسی، اندیشه اسلامی و زندگی‌نامه متمرکز هستند. از مهم‌ترین آثار وی می‌توان به کتاب *نظریه‌پردازی در تبعید* (۱۴۰۰)، *مرکز اسناد انقلاب اسلامی* اشاره کرد. این کتاب که بر پایه مصاحبه‌ها، اسناد و روایت‌های شخصی تدوین شده، نشان‌دهنده تجربه نویسنده در کار با منابع شفاهی و بازنمایی تجربه‌های زیسته کنشگران فکری و سیاسی است. همچنین، تدوین کتاب‌هایی در رابطه با خاطرات برخی از شخصیت‌های انقلابی (مانند *خاطرات محمدجواد صاحبی*) تجربه عملی او را در حوزه خاطره‌نگاری و تاریخ شفاهی شخصیت‌محور تقویت کرده است. انتخاب حجت‌الله علی‌محمدی برای تدوین کتاب *آقای معلم* را می‌توان در امتداد همین سوابق دید. تجربه او در ترکیب مطالعات حوزوی با رویکردهای تاریخی و اسنادی، بر انتخاب سوژه‌ای فرهنگی-هنری در بستر شهر قم (به عنوان یکی از مراکز مهم حوزوی و فرهنگی) تأثیر گذاشته است.

نقد ظاهری کتاب

طرح جلد کتاب *آقای معلم* از نظر مفهومی و محتوایی با موضوع و درون‌مایه اثر هماهنگی دارد. انتخاب عناصر بصری به گونه‌ای انجام شده است که مخاطب پیش از ورود به متن، با حال‌وهوای کلی اثر و شخصیت محوری آن ارتباط برقرار کند. به ویژه، استفاده از تصویری از حسین نوروزیان در حال نواختن فلوت، انتخابی آگاهانه،

معنادار و هم‌سو با هویت هنری راوی است؛ انتخابی که در همان مواجهه نخست، لایه‌ای از زیست هنری و شخصیت درونی او را به مخاطب معرفی می‌کند و نوعی پیش‌زمینه ذهنی برای خواندن روایت فراهم می‌آورد.

درج نام طراح جلد، فرهود مقدم، در شناسنامه کتاب نشان‌دهنده توجه به اصول حرفه‌ای و رعایت استانداردهای نشر است. در بخش صفحه‌آرایی نیز اثر از نظم، دقت و استانداردهای لازم برخوردار است. ساختار کلی صفحات، چیدمان متن و رعایت تناسب میان فضاها، خالی و نوشتار موجب خوانایی مطلوب کتاب شده است. انتخاب قلمی مناسب و روان، فاصله‌گذاری متعادل میان سطرها و تنظیم دقیق حاشیه‌ها، همگی به گونه‌ای انجام شده‌اند که فرایند خواندن را برای مخاطب آسان و از ایجاد خستگی بصری در مواجهه طولانی مدت با متن جلوگیری می‌کنند.

صفحه‌آرایی این اثر که توسط عباس نصرتی‌نیا انجام شده است، با ماهیت روایی، پیوسته و خاطره‌محور کتاب تناسب دارد و به روانی خوانش و تمرکز بیشتر مخاطب بر محتوا کمک می‌کند. این هماهنگی میان فرم و محتوا سبب شده است تا مخاطب بدون وقفه یا آشفته‌گی بصری، مسیر روایت را دنبال کند. کتاب فاقد فصل‌بندی رسمی و مرسوم است و متن آن به صورت یکپارچه و پیوسته تنظیم شده است؛ با این حال، سازمان‌دهی روایت بر اساس سیر زمانی زندگی حسین نوروزیان انجام شده و همین امر نوعی نظم درونی و قابل پیگیری به متن بخشیده است. روایت از مقاطع مختلف زندگی راوی عبور می‌کند و تحولات شخصی، هنری و زیستی او را در قالب یک خط زمانی مشخص پیش می‌برد.

نثر کتاب ساده و روان است و نویسنده آگاهانه از به‌کارگیری پیچیدگی‌های زبانی، ساختارهای دشوار و اصطلاحات تخصصی پرهیز کرده است. این انتخاب زبانی سبب شده است تا متن، صمیمی و در دسترس باشد و مخاطب بدون نیاز به پیش‌زمینه تخصصی خاص، بتواند با روایت ارتباط برقرار کند. در نتیجه، کتاب برای طیفی گسترده از خوانندگان، از مخاطبان عمومی گرفته تا

علاقه‌مندان حوزه‌های فرهنگی و هنری، قابل فهم است. در مواردی که اصطلاحات، نام‌ها یا مفاهیمی برای خواننده ناآشنا بوده‌اند، توضیحات لازم در پاورقی ارائه شده است. این توضیحات به برطرف کردن ابهام‌ها کمک کرده است. با این حال، این امکان وجود داشته است که تصاویر داخل کتاب با ارجاع دقیق‌تر به منبع و تاریخ تصویر غنی‌تر شوند.

نقد محتوایی کتاب

روایت‌شناسی و ساختار روایی

متن کتاب با تکیه بر روایت اول‌شخص و لحن روایی پیش می‌رود و می‌کوشد تجربه زیسته یک هنرمند و معلم را در بستر تحولات اجتماعی و فرهنگی شهر قم بازنمایی کند. محور اصلی روایت، زندگی و فعالیت‌های هنری-فرهنگی یک فرد است و نویسنده این محور را به صورت منسجم دنبال کرده است. داده‌های ارائه‌شده ماهیتی توصیفی دارند؛ با این حال، این روایت‌های جزئی‌نگر می‌توانند اطلاعاتی درباره فضای فرهنگی قم، شیوه‌های آموزش هنر و مناسبات تولید آثار هنری در سال‌های پس از انقلاب اسلامی در اختیار خواننده قرار دهند. با وجود این، اتکای غالب به روایت فردی و محدودبودن تنوع منابع روایی، این احتمال را مطرح می‌کند که برخی از این داده‌ها بیشتر در چارچوب تجربه و برداشت شخصی راوی باقی بمانند و کمتر در معرض مقایسه با روایت‌های انتقادی قرار گیرند.

در ادامه این ساختار روایی، به نظر می‌رسد که روایت اول‌شخص کتاب، فراتر از بازگویی تجربه فردی، در حکم مدخلی برای بازشناسی لایه‌های پنهان‌تر حوزه فرهنگی و هنری نیز عمل می‌کند. همان‌گونه که در مطالعات حوزه فرهنگ و هنر اشاره شده است، بسیاری از مؤلفه‌های هویتی و شاخصه‌های هنری یک جامعه، به ویژه در سطح تحولات ذائقه‌ای و تجربه‌های زیسته هنرمندان، کمتر در اسناد رسمی ثبت می‌شوند و به طور عمده، از طریق مصاحبه و روایت‌های شخصی قابل بازیابی هستند.

(نورائی و ابوالحسنی ترقی، ۱۳۹۴، ص. ۹۹) از این دیدگاه، روایت ارائه‌شده در کتاب می‌تواند به مثابه منبعی برای استخراج نشانه‌های هویتی، تحولات سبک‌های هنری و شیوه‌های کنش فرهنگی در بستر شهر قم استفاده شود. با این حال، بهره‌گیری تحلیلی از چنین روایتی مستلزم آن است که داده‌های حاصل از آن در نسبت با دیگر منابع و روایت‌ها سنجیده شوند تا از تقلیل تجربه فرهنگی به سطح ادراک فردی جلوگیری شود و امکان بازسازی تصویری جامع‌تر از زیست‌جهان هنری فراهم آید.

روایت کتاب از دوران کودکی آغاز شده است؛ رویکردی که در چارچوب تاریخ شفاهی زندگی‌محور، امکان بازنمایی تجربه‌های فردی را در امتداد زمان فراهم می‌کند. در این چارچوب، سازمان‌دهی روایت در قالب یک خط زمانی می‌تواند به معنادارشدن رویدادها و درک پیوند میان تحولات فردی و زمینه‌های اجتماعی و تاریخی کمک کند. (Bornat, 2012, p. 1) در این اثر نیز توالی زمانی وقایع به طور کلی رعایت شده و ترتیب روایت از درجه‌ای از انسجام برخوردار است. با این حال، کیفیت و عمق این روایت تا حد زیادی وابسته به شیوه مصاحبه و فرایند تدوین است که در ادامه بررسی می‌شود.

الگوی مصاحبه

یکی از الزامات اساسی در تولید داده‌های معتبر تاریخ شفاهی مسأله‌مندی مصاحبه و طراحی آگاهانه فرایند پرسش‌گری است؛ امری که تاریخ شفاهی را از سطح گردآوری خاطرات پراکنده به سطح یک کنش پژوهشی معنادار ارتقا می‌دهد. تاریخ شفاهی بر پرسش استوار است و بدون استقرار روایت در چارچوب یک یا چند مسأله روشن، گفت‌وگوها از انسجام تحلیلی کافی برخوردار نیستند. از این دیدگاه، مصاحبه زمانی به تولید دانش تاریخی نزدیک می‌شود که پرسش‌ها نه فقط از تجربه فردی راوی برآمده باشند، بلکه آن تجربه را در نسبت با لایه‌های اجتماعی، نهادی و تاریخی گسترده‌تر قرار دهند. در غیر این صورت، این احتمال وجود دارد که روایت‌ها

در سطح بازگویی ذهنی باقی بمانند و امکان پیوند آنها با تاریخ جمعی و تحلیل ساختاری محدود شود. (نورائی، ۱۳۹۶)

در چارچوب پروژه «تاریخ شفاهی هنر انقلاب» که در سال ۱۴۰۱ توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی قم برنامه‌ریزی شد، استاد حسین نوروزیان به عنوان یکی از اولین راویان انتخاب شد. (علی محمدی، ۱۴۰۴، ص. ۱۲) مصاحبه‌ها طی شش جلسه متمرکز بر خاطرات شخصی، تجربیات حرفه‌ای و فنی راوی برگزار شدند. با وجود این، در مقدمه کتاب هیچ اشاره‌ای به طراحی بسته پرسشی یا محورهای از پیش تعیین شده مصاحبه نشده است.

بر پایه شواهد متنی و ساختار روایت، به نظر می‌رسد بسته پرسشی حاکم بر کتاب از الگوی مصاحبه باز پیروی می‌کند؛ به این معنا که مصاحبه‌کننده به جای اتکا به فهرستی از پیش تعیین شده، با در نظر داشتن محورهای کلی، مسیر گفت‌وگو را در تعامل با روایت راوی شکل داده و متناسب با روند شکل‌گیری خاطرات، پرسش‌های تکمیلی را مطرح کرده است. این شیوه، همان‌گونه که در ادبیات تاریخ شفاهی نیز اشاره شده است، می‌تواند به افزایش انعطاف‌پذیری و پویایی روایت بینجامد و امکان طرح موضوع‌های پیش‌بینی نشده را فراهم کند. (نورائی، ۱۳۸۸، ص. ۳۴) اثر به صورت روایتی پیوسته تدوین شده و ساختار پرسش و پاسخ در متن نهایی حذف شده است. این انتخاب تدوینی، مطابق برخی از رویکردهای رایج در انتشار تاریخ شفاهی، می‌تواند به روانی و انسجام روایت کمک کند؛ با این حال، همان‌گونه که در ادبیات روش‌شناسی تاریخ شفاهی نیز مطرح شده، حذف کامل پرسش‌ها ممکن است به پنهان‌ماندن ماهیت گفت‌وگو محور مصاحبه و کم‌رنگ شدن نقش مصاحبه‌گر در شکل‌دهی روایت بینجامد. (Shopes, 2011, p. 10)

افزون بر این فقدان ارائه اطلاعات روش‌شناختی درباره نحوه طراحی پرسش‌ها و معیارهای انتخاب مصاحبه‌شوندگان، این پرسش نیز مطرح می‌شود که تا چه حد روایت‌های حاصل، از سطح تجربه فردی فراتر رفته و

به بازنمایی چندصدایی و تحلیلی نزدیک شده‌اند. به نظر می‌رسد در چنین آثاری، به ویژه برای پرهیز از غلبه روایت‌های تأییدی و تقویت امکان نقد، ارائه توضیحاتی درباره منطق مصاحبه و شیوه گزینش راویان می‌تواند به ارتقای اعتبار روش‌شناختی اثر کمک کند. در آثار مخاطب‌عام، حذف قالب پرسش و پاسخ گاه تصمیمی آگاهانه برای افزایش خوانایی است؛ با این حال، انتظار می‌رود برای جبران این حذف، در مقدمه یا پیوست، اطلاعاتی درباره فرایند مصاحبه و منطق تدوین ارائه شود تا امکان تحلیل دقیق‌تر برای پژوهشگران فراهم شود.

افزون بر این، اتحاد نقش‌های مصاحبه‌گر، تدوین‌گر و نویسنده در یک فرد را می‌توان از دیگر ویژگی‌های قابل ملاحظه اثر دانست که به افزایش انسجام درونی روایت و تقویت ضریب اطمینان در فرایند بازنمایی تاریخ شفاهی کمک کرده است. به نظر می‌رسد این یکپارچگی نقش‌ها از بروز گسست‌های احتمالی و تفسیرهای ناهمگون که گاه در نتیجه انتقال داده میان کنشگران متعدد پدید می‌آیند، پیشگیری می‌کند. زمانی که یک فرد به طور هم‌زمان اجرای مصاحبه، سامان‌دهی داده‌ها و نگارش متن نهایی را به عهده دارد، آشنایی مستقیم و بی‌واسطه او با جزئیات کلامی، زمینه‌های طرح پرسش‌ها، لحن گفتار و حالات عاطفی راوی، امکان بازتابی دقیق‌تر، منسجم‌تر و وفادارانه‌تر از محتوای مصاحبه‌ها را فراهم می‌کند. در چنین وضعیتی، فرایند تدوین نه به عنوان مرحله‌ای جدا از تولید داده، بلکه به مثابه امتداد طبیعی گفت‌وگو عمل می‌کند؛ امری که به حفظ پیوستگی روایی و انتقال دقیق‌تر تجربه زیسته می‌انجامد.

در نتیجه، این رویکرد می‌تواند از خطر تحریف ناخواسته، تقلیل پیچیدگی روایت یا ساده‌سازی افراطی داده‌ها بکاهد و به اصالت، انسجام و یکدستی اثر یاری رساند؛ ویژگی‌ای که در آثار تاریخ شفاهی زندگی‌محور، نقشی تعیین‌کننده در اعتبار و ماندگاری روایت ایفا می‌کند. زبان اثر، در عین رعایت تراز ادبیات رسمی و معیار، موفق به حفظ اصالت روایت شفاهی شده است. این هماهنگی

نشان می‌دهد مؤلف در فرایند تبدیل گفتار به نوشتار، دقتی قابل ملاحظه در انتقال لحن، حالات و ساختار روایی مصاحبه‌شونده به کار بسته است. چنین رویکردی موجب می‌شود متن نهایی، بدون گرایش به عامیانه‌نویسی یا از دست دادن انسجام درونی، هم اصالت داده‌های تاریخ شفاهی را پاس دارد و هم در چارچوب استانداردهای پذیرفته‌شده نوشتاری جای گیرد.

با این حال، از نظر روش‌شناسی تاریخ شفاهی، همین تمرکز هم‌زمان نقش‌های مصاحبه‌گر، تدوین‌گر و نویسنده در یک فرد، در کنار مزایای یادشده، می‌تواند پیامدهایی انتقادی نیز به همراه داشته باشد. در تاریخ شفاهی، داده‌ها نه به صورت منفعل، بلکه در بستر تعامل میان مصاحبه‌گر و راوی شکل می‌گیرند و از این رو، پیش‌فرض‌ها، علایق و نسبت فکری یا عاطفی مصاحبه‌گر با موضوع ممکن است بر نحوه طرح پرسش‌ها، جهت‌گیری گفت‌وگو و حتی شیوه بازنویسی و تفسیر روایت‌ها اثرگذار باشند. در چنین شرایطی، تمرکز این نقش‌ها در یک فرد، اگرچه به انسجام روایت می‌انجامد، ممکن است به تقویت سوگیری‌های تأییدی و کاهش فاصله انتقادی در مواجهه با داده‌ها بینجامد؛ به گونه‌ای که روایت نهایی بیش از آنکه حاصل ارزیابی چندجانبه و نقادانه باشد، بازتابی همدلانه و تا حدی جهت‌دار از تجربه زیسته راوی شود. از این رو، در ادبیات روش‌شناسی تاریخ شفاهی، بر ضرورت آگاهی انتقادی پژوهشگر نسبت به جایگاه خود و بازتاب‌دادن نقش او در فرایند تولید و تدوین داده‌ها تأکید شده است؛ امری که می‌تواند به کنترل سوگیری، حفظ چندصدایی و ارتقای اعتبار تحلیلی اثر کمک کند.

جامعه مصاحبه‌شوندگان این کتاب را می‌توان جامعه‌ای محدود، اما هدفمند، منسجم و متصل دانست که حول شخصیت محوری حسین نوروزیان سامان یافته است. این انتخاب آگاهانه با منطق آثار تاریخ شفاهی زندگی‌محور هم‌خوانی دارد و امکان تمرکز عمیق بر یک تجربه زیسته مشخص را فراهم می‌کند. هسته اصلی این جامعه را شش جلسه مصاحبه با حسین نوروزیان تشکیل می‌دهد که در

مقام راوی اصلی، نقش کانونی در تولید داده‌های روایی و بازسازی سیر زندگی فردی و حرفه‌ای او ایفا می‌کند. استمرار مصاحبه‌ها و تعدد جلسات با راوی مرکزی، فرصتی برای بازگشت، تکمیل و بسط روایت‌ها فراهم آورده و به تعمیق لایه‌های حافظه و تجربه کمک کرده است. در کنار این هسته مرکزی، حضور هفت نفر دیگر شامل اعضای خانواده (برادر و پسر)، شاگردان و دوستان نزدیک، به شکل‌گیری یک شبکه روایی پیرامونی انجامیده است که هر یک، به واسطه پیوندهای خویشاوندی، حرفه‌ای یا عاطفی با راوی اصلی، بخشی از جهان اجتماعی و فرهنگی او را بازنمایی می‌کنند. این ترکیب متنوع از مصاحبه‌شوندگان امکان مواجهه با روایت زندگی حسین نوروزیان را از نظرگاه‌های متفاوت فراهم می‌کند و به خواننده اجازه می‌دهد تجربه‌ای فردی را در بستری چندصدایی و شبکه‌ای دنبال کند. به نظر می‌رسد ساختار شبکه‌ای جامعه مصاحبه‌شوندگان را می‌توان یکی از نقاط قوت اثر دانست؛ زیرا روایت‌های پیرامونی نه فقط به تأیید، تکمیل یا توضیح روایت مرکزی کمک می‌کنند، بلکه امکان مشاهده تجربه زیسته از زوایای مختلف خانوادگی، حرفه‌ای، آموزشی و دوستانه را نیز فراهم می‌آورند. این رویکرد در بازسازی روابط اجتماعی، الگوهای کنش روزمره و شکل‌گیری هویت فردی و حرفه‌ای راوی، نقشی مؤثر ایفا کرده و به اثر کمک کرده است تا از سطح یک زندگی‌نامه فردی فراتر رود و به تصویری غنی‌تر از یک زیست‌جهان اجتماعی نزدیک شود.

مستندسازی و اعتباربخشی روایت

آرشیو صوتی مصاحبه‌ها در مرکز اسناد انقلاب اسلامی قم نگهداری می‌شود که خود مزیتی مهم برای پژوهش‌های آتی است. با این حال، کتاب فهرستی کامل از جلسات مصاحبه (شامل تاریخ، مدت زمان فایل‌های صوتی یا تصویری) ارائه نکرده است. همچنین، در پیوست تصاویر (صفحات ۱۱۷ تا ۲۱۷) که غنای بصری قابل ملاحظه‌ای به اثر بخشیده است، هیچ ارجاعی به خاستگاه آرشیوی

عکس‌ها وجود ندارد. از جمله مؤلفه‌های محتوایی اثر، بهره‌گیری گسترده از تصاویر در کنار روایت شفاهی است؛ امری که در تاریخ شفاهی، نقشی مهم در تقویت روایت و تسهیل انتقال تجربه‌های زیسته ایفا می‌کند، به ویژه زمانی که تصاویر در پیوندی معنادار با متن قرار می‌گیرند. (McKirdy, 2015, p. 95) در این کتاب، تصاویر از نظر وضوح و کیفیت بصری مناسب هستند و توضیحات همراه آنها فهم بستر زمانی و موقعیتی تصاویر را برای خواننده ممکن کرده و به غنای روایت افزوده است. در چارچوب تاریخ شفاهی، به طور معمول، میان تصویر به مثابه سند دیداری مکمل و اسناد مکتوب یا اداری به مثابه ابزار ارزیابی و راستی‌آزمایی تاریخی، تمایزی روشی در نظر گرفته می‌شود.

تصاویر، با وجود دارا بودن ارزش‌هایی مستندسازانه، زمانی بیشترین کارکرد تاریخی خود را می‌یابند که در تعامل با دیگر گونه‌های اسنادی قرار گیرند و به تعمیق فهم وقایع یاری رسانند. از این دیدگاه، می‌توان گفت اگر در کنار تصاویر، به محل نگهداری و خاستگاه آرشیوی آنها نیز اشاره‌ای کوتاه می‌شد (برای مثال، مشخص می‌شد تصاویر برگرفته از آرشیو شخصی مصاحبه‌شونده یا مجموعه‌ای معین هستند)، امکان بهره‌برداری پژوهشی از اثر بیش از پیش فراهم می‌شد؛ همچنین، اشاره‌ای گذرا به اسناد مکتوب مرتبطی که احتمالاً در فرایند تدوین در دسترس بوده‌اند، می‌توانست پیوند میان روایت شفاهی و زمینه‌های تاریخی آن را روشن‌تر و ظرفیت‌های روش‌شناختی کتاب را تکمیل کند.

در مطالعات تاریخی، خاطره معمولاً به عنوان بازتابی ذهنی از تجربه‌های گذشته فهم می‌شود که در بستر حافظه فردی شکل می‌گیرد و متأثر از عواطف، داوری‌ها و شرایط ذهنی راوی است. از این دیدگاه، خاطره نه بازنمایی بی‌واسطه و کامل واقعیت گذشته، بلکه نوعی بازآفرینی تجربه از دیدگاه اکنون راوی به شمار می‌آید. (نورایی و ابوالحسنی ترقی، ۱۳۸۹، صص. ۹۸-۹۹) به همین دلیل، خاطره به‌خودی‌خود فاقد ساخت تحلیلی تاریخ‌نگارانه

است و بیشتر در حکم ماده‌ای خام تلقی می‌شود که نیازمند نقد، مقایسه و زمینه‌گذاری است. در مقابل، تاریخ شفاهی اگرچه بر خاطره و روایت فردی استوار است، به آن محدود نمی‌ماند. تاریخ شفاهی فرایندی آگاهانه و روشمند است که از طریق مصاحبه هدفمند، طراحی پرسش‌ها و مداخله تحلیلی مصاحبه‌گر، روایت‌های فردی را به داده‌هایی قابل استفاده برای پژوهش تاریخی تبدیل می‌کند. (نورایی و ابوالحسنی ترقی، ۱۳۸۹، صص. ۱۱۱-۱۱۲) در این معنا، خاطره هسته اولیه داده را تشکیل می‌دهد، اما متن نهایی حاصل تعامل میان راوی و مصاحبه‌گر و نتیجه فرایند تدوین، تفسیر و قرارداد روایت در بسترهای اجتماعی، نهادی و تاریخی است. از آنجا که خاطره همواره انتخابی، سیال و متأثر از زمان حال است، ارزش آن برای تاریخ‌نگاری نه در دقت رویدادی، بلکه در امکان فهم معانی، ادراک‌ها و تجربه‌های اجتماعی نهفته است؛ امکانی که فقط از طریق تحلیل انتقادی و مقایسه با دیگر منابع تاریخی بالفعل می‌شود. (Thane, 1999, pp. 166-167)

در همین چارچوب، یکی از محورهای مهم در ارزیابی علمی آثار تاریخ شفاهی نحوه مواجهه آنها با مقوله مستندسازی و چگونگی اتکای روایت شفاهی بر دیگر گونه‌های اسنادی است. در ادبیات تاریخ شفاهی، تمایزی مفهومی میان «سند»ⁱⁱ و «شواهد»ⁱⁱⁱ وجود دارد که بر اساس آن، تاریخ شفاهی بیش از آنکه تولیدکننده سند به معنای دقیق کلمه باشد، فراهم‌آورنده مستندات مبتنی بر گفتار و حافظه راویان است؛ حافظه‌ای که ماهیتی پویا، زمان‌مند و تحول‌پذیر دارد و در بسترهای زمانی متفاوت، ممکن است دچار بازتعریف، تکرار قرائت‌ها یا حتی تغییر در روایت شود. از این دیدگاه، مصاحبه تاریخ شفاهی را نمی‌توان به منزله سندی ثابت و منقطع از منشأ تلقی کرد، بلکه باید آن را در زمره شواهد تاریخی دانست که پیوسته در نسبت با زمان، موقعیت و شرایط ذهنی راوی معنا می‌یابد. (نورایی، ۱۴۰۴، مصاحبه شخصی)

بر این اساس، محصول مصاحبه‌های تاریخ شفاهی معمولاً در حوزه مستند-شواهد قرار می‌گیرد و نه اسناد

راستای حرکت از تجربه فردی به سوی نوعی تواتر روایی و تقویت اعتبار تاریخی اثر دانست. در همین چارچوب، ارائه اطلاعاتی درباره آرشو صوتی مصاحبه‌ها از جمله درج فهرست مصاحبه‌های انجام‌شده و محل نگهداری آنها در انتهای کتاب می‌توانست امکان مراجعه، بازخوانی و بهره‌برداری پژوهشگران دیگر را در آینده بیش از پیش فراهم آورد و جایگاه اثر را در منظومه پژوهش‌های تاریخ شفاهی تقویت کند.

نتیجه

کتاب آقای معلم: خاطرات استاد حسین نوروزیان، با تکیه بر روایت زندگی‌محور، انسجام روایی، انتخاب سوژه‌ای کمتر بررسی‌شده (معلم هنر) و بازنمایی تجربه زیسته در بستر فرهنگی-محلی، توانسته است بخشی از تاریخ غیررسمی و لایه‌های کمتر ثبت‌شده زیست‌جهان هنری قم را آشکار کند؛ امری که آن را در منظومه تاریخ شفاهی فرهنگی واجد اهمیت می‌کند. انتخاب سوژه، انسجام روایی، روانی نثر، بهره‌گیری از روایت زندگی‌محور، استفاده از الگوی مصاحبه باز، به‌کارگیری روش گلوله‌برفی در گسترش دامنه روایت‌ها و نیز کاربرد مناسب تصاویر، از جمله نقاط قوت کتاب به شمار می‌آیند که به خوانایی و غنای محتوایی آن افزوده‌اند. این ویژگی‌ها سبب شده‌اند اثر بتواند تجربه فردی را در قالب روایتی منسجم و قابل پیگیری ارائه کند و برای مخاطبان عمومی و علاقه‌مندان حوزه فرهنگ و هنر جذاب باشد. در عین حال، حذف کامل ساختار پرسش‌وپاسخ و فقدان اشاره روشن به آرشو صوتی تصاویر و اسناد مکتوب مکمل، امکان بهره‌برداری پژوهشگران از اثر را تا حدی محدود کرده است. با این همه، این موارد را می‌توان نه در تعارض با منطق روایت زندگی‌محور کتاب، بلکه به منزله زمینه‌هایی برای تکمیل و ارتقای آثار مشابه در آینده تلقی کرد. توجه بیشتر به شفافیت روش‌شناختی، مستندسازی فرایند مصاحبه و تدوین و ارائه اطلاعات آرشویی، می‌تواند در چاپ‌های بعدی یا آثار مشابه، جایگاه چنین

تاریخی به معنای کلاسیک آن؛ تمایزی که اهمیت آن به ویژه در فرایند ارزیابی و راستی‌آزمایی داده‌ها آشکار می‌شود. در حالی که سند مکتوب پس از ثبت تا حد زیادی از منشأ تولید خود منفک می‌شود و امکان تغییر در ذات آن وجود ندارد، داده‌های شفاهی به سبب زنده و سیال بودن، همواره واجد امکان بازخوانی، اصلاح یا بازتعریف هستند. همین ویژگی، هرچند از نظر تحلیل تجربه‌های زیسته و فهم معانی اجتماعی مزیتی مهم به شمار می‌آید، در عین حال، ضرورت توجه به سازوکارهای تکمیلی اعتباربخشی، از جمله مقایسه با دیگر منابع، تنوع شواهد و شفافیت روش‌شناختی را در آثار تاریخ شفاهی برجسته می‌کند. بر پایه این رویکرد، اعتبار و کارآمدی آثار تاریخ شفاهی معمولاً از رهگذر دو مسیر مکمل تقویت می‌شود؛ نخست، همراهی روایت با اسناد مکتوب، تصاویر و آرشوهای قابل ارجاع در فرایند مصاحبه و تدوین؛ و دوم، گسترش دامنه روایان و حرکت به سوی نوعی «جمعی‌کردن تجربه» از طریق تنوع روایت‌ها، تا روایت از سطح تجربه فردی فراتر رود و با منطق تاریخ‌نگاری مبتنی بر تجربه جمعی هم‌خوانی بیشتری پیدا کند. (نورائی، ۱۳۹۷) از دیدگاه تاریخ‌نگاری نیز، خاطره فقط زمانی واجد ارزش تحلیلی است که بتواند در کنار دیگر روایت‌ها و اسناد، به فهم تحولات جمعی یاری رساند؛ نکته‌ای که آن را یکی از تمایزهای اساسی تاریخ شفاهی با خاطره‌نگاری می‌دانند. (نورائی و ابوالحسنی ترقی، ۱۳۸۹، صص. ۱۱۶-۱۱۷)

با توجه به این ملاحظات، می‌توان گفت تاریخ شفاهی زمانی از سطح بازگویی خاطره فراتر می‌رود که روایت‌های شخصی در پیوندی نظام‌مند با اسناد، روایت‌های دیگر و ساختارهای اجتماعی قرار گیرند؛ در غیر این صورت، حتی روایت‌های دقیق و صادقانه نیز بیش از آنکه واجد کارکرد تاریخ‌نگارانه باشند، در سطح شهادت‌های فردی یا خاطرات مستند باقی می‌مانند. در این کتاب، بهره‌گیری مصاحبه‌گر از روش گلوله‌برفی برای شناسایی افراد مرتبط و گسترش دامنه روایت‌ها را می‌توان تلاشی آگاهانه در

آثاری را در منظومه پژوهش‌های تاریخ شفاهی تقویت کند
و به توسعه دانش تاریخ شفاهی محلی و فرهنگی در ایران

پیوست ۱: تصویر جلد کتاب



منابع

بختیاری، سمیه (۱۴۰۳). صنایع دستی استان اصفهان به
روایت اسناد (۱۲۵۰-۱۳۵۷). اصفهان: سازمان رفاهی و
تفریحی شهرداری اصفهان.

بایلین، برنارد (۱۳۸۹). تاریخ‌آموزی و تاریخ‌نگاری
(مرتضی نورائی، مترجم). تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

CA: Left Coast Press.
 Shopes, L. (2011). Editing oral history for publication. *Oral History Forum D'Histoire Orale*, 31, 1-24.
<https://www.oralhistoryforum.ca/index.php/ohf/article/view/385/index.html>
 Thane, P. (1999). Oral history, memory and written tradition: An introduction. *Transactions of the Royal Historical Society*, 9, 161-168.
<https://doi.org/10.1017/S0080440100010057>

ⁱ life-history approach

ⁱⁱ evidenc

ⁱⁱⁱ Document

کاظمی، محسن؛ مرتضی نورائی؛ رضا شعبانی صمغ آبادی (۱۳۹۹). تاریخ شفاهی به مثابه ابزاری برای شنیدن صداهای خاموش. مطالعات تاریخ اجتماعی-اقتصادی. کرباسچی، غلامرضا (۱۳۸۰). تاریخ شفاهی/انقلاب اسلامی (تاریخ حوزه علمیه قم). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
 عشقی، نرگس، و حمیدی، سمیه (۱۴۰۴). نقاشی قهوه‌خانه‌ای به روایت منصور عباسی. تهران: نگارستان اندیشه.

نورائی، مرتضی (۱۳۸۵). درآمدی بر پاره‌ای مشکلات نظری و کارکردی تاریخ شفاهی. گنجینه اسناد، شماره ۶۴.
 نورائی، مرتضی (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر راهکارهای نقد در تاریخ شفاهی. در سویه‌های تاریخ‌نگاری/انقلاب اسلامی (صص. ۲۵-۴۲). تهران: خانه کتاب.
 نورائی، مرتضی، و ابوالحسنی ترقی، مهدی (۱۳۸۹). مقایسه تحلیلی خاطره‌نگاری با تاریخ شفاهی. فصلنامه گنجینه اسناد، ۲۰ (۴)، ۹۶-۱۲۲.
<https://sid.ir/paper/99122/fa>
 نورائی، مرتضی، و ابوالحسنی ترقی، مهدی (۱۳۹۴). تاریخ شفاهی و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری معاصر ایران (۱۳۵۱-۱۳۸۵). تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
 نورائی، مرتضی (۱۳۹۶). احکام مسئله‌مندی در تاریخ شفاهی. انجمن تاریخ شفاهی ایران، بازیابی شده از: <http://oral-history.ir>
 نورائی، مرتضی (۱۳۹۷). کاربرد تاریخ شفاهی در مستندنگاری‌های تصویری [سخنرانی]. اصفهان: موزه عصارخانه شاهی (مرکز مطالعات فرهنگ عامه اصفهان).
 نورائی، مرتضی (۱۴۰۴). تاریخ‌ورزی به فصل تاریخ شفاهی. آرشیو شخصی، مصاحبه‌کننده: سمیرا مسیبی.

Bornat, J. (2012). *Oral history and qualitative research (Timescapes Methods Guides Series, Guide No. 12)*. Timescapes, University of Leeds. <https://timescapes-archive.leeds.ac.uk/wp-content/uploads/sites/47/2020/07/timescapes-bornat-oral-history.pdf>.

McKirdy, C. (2015). *Practicing oral history with immigrant narrators*. Walnut Creek,

